

ساختمان کلمه

کلمات مشتق

دانستیم که :

هر صیغه فعل دو جزء دارد :

یکی ماده فعل که معنی اصلی فعل در آن است و در همه صیغه‌ها یکسان است یعنی تغییر نمی‌کند .

دیگر شناسه یعنی جزئی که در هر صیغه تغییر می‌کند و مفهوم شخص و عدد فعل از آن بر می‌آید .

در فارسی هر فعلی دو ماده دارد: یکی ماده ماضی و دیگر ماده مضارع

همچنین دانسته‌ایم که صیغه‌های مختلف فعل که بر شخص و عدد فعل نیز دلالت می‌کند همیشه از یکی از این دو ماده مشتق می‌شود.

اکنون می‌گوئیم که از دو ماده فعل، جز از صیغه‌هایی که مفهوم

شخص و زمان را در بر دارد، کلمات دیگری نیز مشتق می‌شود که اسم یا صفت است.

از ماده ماضی فعل «دید» کلمه «دیدن» حاصل می‌شود که اصل معنی فعل را بیان می‌کند، بی آنکه به شخص و زمان بستگی داشته باشد. این صیغه فعل را «مصدر» می‌خوانیم. مصدر هر فعل از نوع «اسم» است. از همین ماده ماضی کلمه «دیدار» نیز ساخته می‌شود. این کلمه حاصل فعل «دیدن» را بیان می‌کند و اسم است.

اما از ماده مضارع همین فعل یعنی «بین» کلمه «بینش» ساخته می‌شود. این کلمه هم اسم است و بیان‌کننده معنی مصدر.

همچنین از ماده ماضی این فعل کلمه «دیده» ساخته می‌شود که صفت چیزی است که فعل بر آن واقع شده است و از ماده مضارع آن کلمه‌های «بیننده» و «بینا» می‌آید که صفت کسی است که فعل را انجام داده است. این کلمات را که از ماده ماضی یا مضارع فعل ساخته می‌شود و اسم یا صفت است، مشتقات فعل می‌خوانیم.

مشتقات فعل از این قرار است:

از ماده ماضی	مثال	از ماده مضارع	مثال
مصدر	گفتن	اسم مصدر	گویی (گوش)
اسم مصدر	گفتار	صفت فاعلی	گوینده
صفت مفعولی	گفته	صفت دائمی	گویا
		صفت بیان حال	گویان

مشتق اسم یا صفتی است که از ماده ماضی یا ماده مضارع فعلی ساخته شده باشد . .

هر کلمه مشتق شامل يك ماده فعل است و يك جزء دیگر که به آخر آن افزوده شده است و نوع کلمه را معین می کند .

صیغه مصدر که اسم است از همه فعلهای فارسی وجود دارد . اما صیغه های دیگر از هر فعلی بعضی متداول است و بکار می رود و بعضی دیگر معمول نیست . مثلاً از «گفتن» این صیغه ها ساخته شده و معمول است :

گفتن، گفتار، گفته، گئوش، گوینده، گویا

اما از «شنیدن» تنها این صیغه ها می آید :

شنیدن، شنیده، شنونده، شنوا

و صیغه های «شنیدار» و «شنوش» و «شنوان» از آن ساخته نشده است.

صیغه ای که با افزودن جزء «ار» به آخر ماده ماضی ساخته می شود، گاهی حاصل معنی فعل رایبان می کند. مانند: «گفتار» و «رفتار» و «دیدار». و گاهی این صیغه ها دارای معنی فاعلی است. مانند: دادار و خواستار.

و گاهی معنی مفعولی دارد، یعنی کسی یا چیزی که فعل بر واقع شده است . مانند: مردار، گرفتار.

از بعضی فعلها به جای اسم مصدری که با «ش» ساخته می شود صیغه‌ای از ماده مضارع با پسوند «ه» (هاء بیان حرکت) می توان ساخت. مانند «خنده» از خندیدن به جای خندش؛ و «گریه» از گریستن یا گرییدن؛ و «مویه» به جای «مویش».

بک نوع اسم مصدر نیز در فارسی هست که تنها از ماده ماضی یا ماده مضارع بی افزودن جزئی به آن ساخته می شود. مانند: ساخت (به معنی چگونگی ساختن) و ساز (به معنی شیوه ساختن) و گفت (به معنی گفتن و گفتار) و تاخت (به معنی حاصل تاختن) و مانند آنها . این کلمات مصدر «بریده» خوانده می شود .

گاهی دو ماده ماضی و مضارع با حرف «و» بهم می پیوندند و معنی حاصل مصدر از آنها بر می آید. مانند: تاخت و تاز، سوخت و سوز، دوخت و دوز، پخت و پز، گفت و گو، رفت و روب.

از ماده مضارع بعضی فعلها نیز کلمه‌ای با افزودن پسوند «ه» (بیان حرکت) ساخته می شود که معنی «اسم آلت» دارد، یعنی ابزاری که با آن کار را انجام می دهند مانند :

مالیدن	از	ماله
گرفتن	از	گیره